



ANALYZING THE QIRA'AT ATTRIBUTED TO THE INFALLIBLES (AS), IN THE INTERPRETATION OF AL-TEBYAN AND MAJMA 'AL-BAYAN*

Morteza Yaghoukhani Ghiasvand ¹

Leila Akradloo ²

Abstract

In Shiite commentaries, there are recitations attributed to the Infallibles (AS) which are in the position of proving independent readings for the Infallibles (AS). The analysis of this issue is important because the prerequisite and one of the principles in the interpretation of the Qur'an is to know the correct recitation.

The present article is a descriptive-analytical method of rational and narrative way and with a historical approach in response to the question of how these readings can be analyzed based on the reflection of the Qiraats of the Infallibles (AS) in Shiite interpretations up to the sixth century. In the sixth century. Majma 'al-Bayan expanded these readings by narrating about 145 recitations from previous interpretations. One of the possible factors in the frequency of these narrations was the effect of Sheikh Tusi's method of reasoning on the interpretation of Majma 'al-Bayan. Also, the prevailing literary atmosphere in this century and the subsequent expansion of literary interpretations such as Al-Kashaf by Zamakhshari and Al-Muharrar Al-Wajiz by Ibn Atiyah Andalusí have not been unaffected by Tabarsi in this area.

Keywords: Quranic Sciences, Differences in Recitation, Hadith, Infallibles (As), Sheikh Tusi, Majma 'Al-Bayan.

*. **Date of receiving:** 10 October 2019, **Date of approval:** 12 December 2020.

1. Responsible author: Student in 4th Level of jurisprudence and its principles, Qom seminary: mortezaqy@gmail.com

2. Master of Education of Qom University of Education: lilaekradlo63@gmail.com



تحلیل بازتاب قرائات منسوب به معصومین^{علیهم السلام}

در تفسیر تبیان و مجمع البیان*

مرتضی یعقوب خانی غیاثوند^۱ و لیلا اکرادلو^۲

چکیده

در تفاسیر شیعه قرائت‌هایی منسوب به معصومین^{علیهم السلام} یافت می‌شود که در مقام اثبات قرائت مستقل برای معصومین^{علیهم السلام} هستند. تحلیل این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که پیش‌نیاز و از اصول موضوعه در تفسیر قرآن، شناخت قرائت صحیح است. نوشته حاضر با روش توصیفی - تحلیلی عقلی و نقلی و با رویکرد تاریخی در مقام پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان بر اساس بازتاب قرائات منقول از معصومین^{علیهم السلام} در تفاسیر شیعه تا قرن ششم این قرائات را تحلیل نمود. مجمع البیان در قرن ششم با نقل در حدود ۱۴۵ قرائت نسبت به تفاسیر قبل از خود به گسترش این قرائات اقدام کرده است. از عوامل احتمالی در بسامدی این نقل‌ها به تأثیر روش استدلالی شیخ طوسی بر تفسیر مجمع البیان اشاره شد. همچنین فضای ادبی حاکم در این قرن و در پی آن گستردگی تفاسیر ادبی همچون کشاف نوشته زمخشری و المحرر الوجیز نوشته ابن عطیه اندلسی نیز در این گستردگی از سوی طبرسی بی‌تأثیر نبوده است.

کلیدواژه: علوم قرآن، اختلاف قرائت، حدیث، معصومین^{علیهم السلام}، شیخ طوسی، مجمع البیان.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۸ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲.

۱. سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول): mortezaqy@gmail.com.

۲. کارشناس ارشد مدرسی معارف دانشگاه معارف قم: lilaekradlo63@gmail.com.



مقدمه

قرآن کریم به عنوان منبع مهم و تأثیرگذار در میان مسلمانان شناخته شده است. تمام مذاهب و گرایش های منسوب به اسلام در آموزه های خود از این کتاب برای باورهای خود بهره برده اند. اختلاف در خوانش این کتاب مقدس هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر در مذاهب و مکاتب اسلامی به ویژه مکتب معتزله است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/۱).

قرائت کلمه «یطهرن» در آیه ۲۲۲ سوره بقره و اعراب کلمه جلاله «الله» در آیه های ۲۴ سوره فاطر از موارد این تأثیرگذاری است. تغییر در خوانش واژه الله توسط معتزلی ها در آیه ۱۶۴ سوره نساء را می توان از موارد متأثر شدن خوانش قرآن نام برد (ذهبی، التفسیر و المفسران، بی تا: ۲۶۸/۱؛ زمخشری، کشاف، ۱۴۰۷: ۳/۱).

مسئله خوانش قرآن کریم در برخی از قرن ها مسئله اول میان مسلمان بوده است. به گونه ای که اختلاف ها در این باره موجب شکل گیری نزاع شده است (ر.ک: ملایی عشق آباد، شاه پسند، بررسی قرائت مصاحف منسوب به ائمه (ع)، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸). مردمان مسلمانان در شهرهای مهم بر اساس قاریان شاخص و مطرح قرآن را تلاوت می کرده اند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۳۳۶/۱).

از معصومین (ع) با توجه به این مسئله مهم و پرسش های که برخی از شیعیان از آنان داشته اند، سه دسته روایت گزارش شده است؛ دسته اول: تأکید بر توحید قرائات (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۶۳۰/۲)؛ دسته دوم: حجیت بخشی به قراء مشهور (همان: ۶۳۳/۲)؛ و دسته سوم: ارائه قرائت مستقل. پذیرفتن یا نپذیرفتن این روایات، سبب پیدایش مبنا در علوم قرآن و تفسیر قرآن می شود.

نوشته حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نقلی و عقلی و با بهره گیری از آمار تلاش دارد، در راستای پاسخ به این پرسش است که چه عواملی در بازتاب قرائات منقول از معصومین (ع) در منابع تفسیری تا قرن ششم تأثیرگذار است. نگاشته حاضر در مقام داوری میان توحید یا پذیرش اختلاف قرائات نیست. بدیهی است، عدم پذیرش قرائات منسوب به معصومین (ع) لزوماً به معنای پذیرش یا رد مبنای دیگر نیست.

در ارتباط با تحلیل قرائات معصومین (ع)، کتاب ها و مقاله هایی نگاشته شده است. به عنوان نمونه می توان به کتاب «معالم المدرستین» نوشته علامه عسکری (۱۳۸۶ ش)، «التمهید فی علوم القرآن» جلد دوم نوشته آیت الله معرفت (۱۳۸۵ ش) و مقاله «قرائات منسوب به اهل بیت (ع)» (۱۳۹۳ ش) اشاره کرد؛ اما تحلیل با رویکرد تاریخی و با تکنیک آماری در میان پژوهش ها کمتر وجود دارد. مواردی همچون «نگرش تاریخی به روایات قرائات اهل بیت (ع)»، نوشته حسینی و «قرائات منسوب به اهل بیت (ع)»، نوشته دیاری به عوامل گسترش قرائات معصومین (ع) کمتر پرداخته اند.



۱- مفهوم قرائت

کلمه قرائت مصدر و از ریشه «قرء» و معنای لغوی آن جمع و اجتماع است (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۳۹۹: ماده قرء؛ مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ۱۳۶۰: ۲۱/۹). ابن جزری (۷۴۱) قرائت را این گونه تعریف کرده است: قراءات، علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت است؛ اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است (ابن جزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، ۱۴۱۹: ۳). بر پایه این تعریف، کلمه روایت، نقل و اسناد از اجزای معتبر در تعریف قرائات است.

همچنین زرکشی (۷۹۴ ق) در تعریف آن می نویسد: قرائات، عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است. این اختلاف در ارتباط با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آن ها، از قبیل تخفیف و تشریع و امثال آن از سوی قراء است (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۰۸: ۳۱۹/۱).

۲- تاریخچه تفسیر شیعه

بر اساس وظیفه پیامبران در تبیین معارف دین، پیامبر ﷺ نخستین فردی بود که به تفسیر قرآن پرداخت (نحل / ۴۴). بعد از ایشان حضرت علی ﷺ و معصومین ﷺ داناترین افراد نسبت به فهم قرآن هستند. از زمان حضور معصومین ﷺ تا قرن چهارم، تفسیر شیعه توسط مفسران شیعه تنها با رویکرد روایی بوده است (سلطانی، «تحلیل و بررسی مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم با محور آثار شیخ طوسی»، ۱۳۹۰: ۵۰). در این دوره صرفاً بر اساس جمع آوری روایاتی که در منزلت و تبیین دیدگاه های شیعه است، تمرکز داشته است (طوسی، التبیان، بی تا: ۷/۱). از مهم ترین تفاسیر این دوره می توان به تفاسیری مانند: «تفسیر فرات کوفی»، فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ﷺ، «تفسیر العیاشی»، عیاشی (۳۲۰ ق) و «تفسیر القمی»، علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷) اشاره کرد.

تفسیر شیعه از قرن پنجم تا قرن دهم با رویکرد متفاوت تری نسبت به دوره قبل مواجه شده است. مفسران شیعه در فاصله میان این شش قرن با رویکرد تحلیلی و عقلی تلاش کرده اند، در مواجهه با تفسیر قرآن کریم از تحلیل های ادبی و عقلی در فهم مراد خداوند بهره مند شوند و از ثمرات این دوره می توان به تفاسیر مشهوری همچون: «التبیان»، شیخ طوسی (۴۶۰ ق) و «مجمع البیان»، طبرسی (۵۴۸ ق) نام برد. قرن دهم تا سیزدهم با ظهور جریان اخباریگری، تفسیر شیعه به رویکرد روایی بازمی گردد و سیطره این جریان در مراکز علمی شیعه باعث توقف جریان تحلیلی عقلی شیعه می گردد. این جریان با اتخاذ مبانی همچون عدم حجیت ظواهر قرآن و تنها مخاطب قرار دادن معصومین ﷺ برای قرآن، از ادامه رویکرد تفسیر عقلی ممانعت و تفسیر را دچار وقفه نموده اند. برخی از عالمان این رویکرد نیز معتقد به



تحریف قرآن شدند (معرفت، صیانت القرآن من التحریف، ۱۴۱۰ ق: ۱۵۸). از مهم‌ترین تفاسیر این رویکرد می‌توان به تفسیر «البرهان»، بحرانی (ه) و «نور الثقلین»، حویزی (ره) اشاره کرد. بدیهی است رویکرد تفسیر عقلی و تحلیلی هرگز خود را محروم از روایات تفسیری نمی‌داند؛ اما در مقام نفی بهره بردن از دانش‌های دیگر برای فهم قرآن نیز نیست. در قرن سیزدهم، بهبهانی با استدلال‌های علمی خود و شاگردانی مانند شیخ انصاری توانست در علومی مانند اصول به سيطرة بیش از دو قرن اخباری‌ها پایان دهد و از ثمرات مبانی اصول فقه، دانش تفسیر نیز بی‌بهره نماند و توانست به رویکرد عقلی حرکت خود را ادامه داده و تفاسیری مانند «البیان»، خونی (۱۴۱۳)، «آلاء الرحمن»، بلاغی (۱۳۵۲) و «المیزان»، طباطبائی (۱۴۰۲) نگاشته شود.

۳- قرائات معصومین (ع)

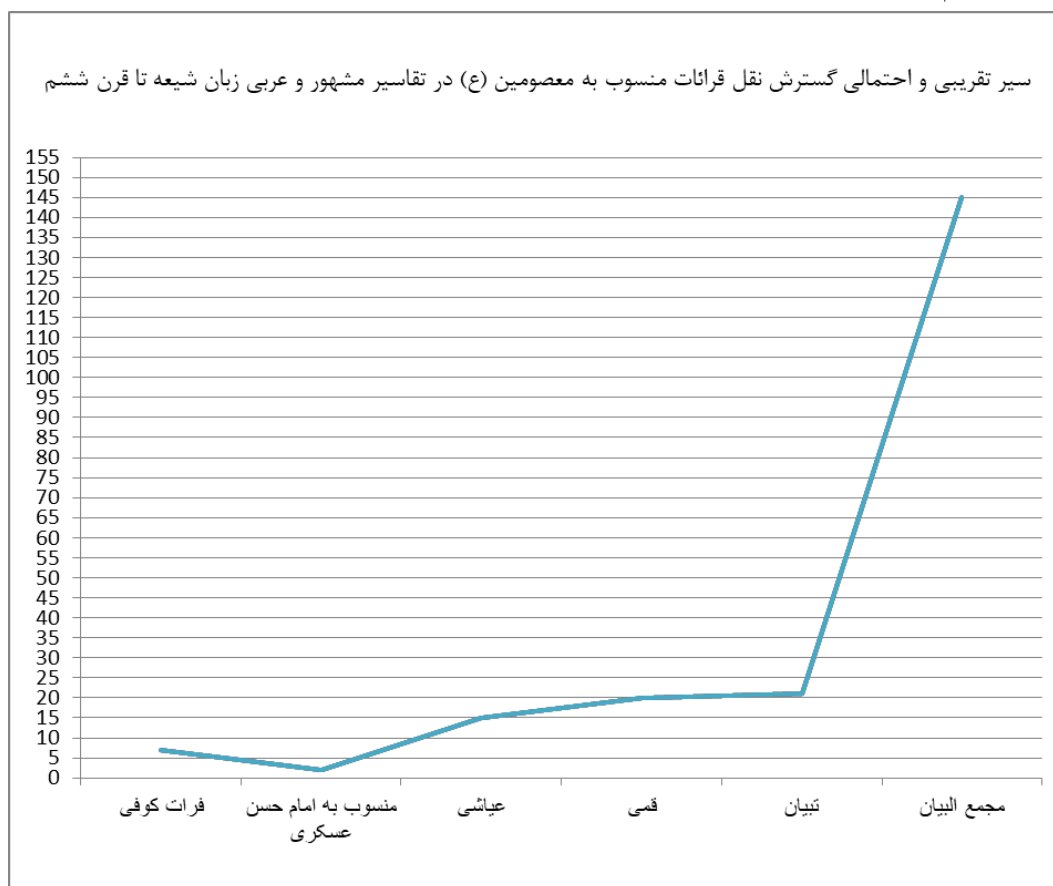
در منابع اسلامی، قرائات قرآنی از معصومین (ع) گزارش شده است که در مواردی با قرائت حفص به نقل از عاصم متفاوت است. این گزارش‌ها اختصاصی به منابع تفسیری شیعه ندارد، بلکه در برخی از تفاسیر عامه نیز یافت می‌شود. به عنوان نمونه، در کتاب «معجم القرائات القرآنی»، دکتر احمد سالم (۱۴۰۸) ۳۵۵ قرائت از معصومین (ع) گزارش شده است. همچنین در کتاب «مجمع البیان»، طبرسی (۵۴۸)، ۱۴۵ قرائت نقل شده است (ر.ک: یعقوبخانی، اکرادلو، خوشفر، گونه‌شناسی قرائات منسوب به معصومین (ع)، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸؛ بیگدلی، قرائات منسوب به اهل بیت (ع)، ۱۳۹۳: ۸۳).

قرائات منقول از معصومین (ع) از مسائل چند تباری است؛ زیرا به اعتبار نقل کلام معصومین (ع) از دانش حدیث است. همچنین به اعتبار اینکه از مبانی دانش تفسیر است، از دانش تفسیر محسوب می‌شود (ر.ک: اسکندرلو، رضوی اصیل، مبانی قرآنی تفسیر، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸؛ بابائی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۸۸: ۶۴)؛ و نیز به لحاظ ارتباط مستقیم که با مباحث علم القرائة دارد، از دانش علوم قرآن محسوب می‌شود (ر.ک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۶/۲).

پذیرفتن یا نپذیرفتن قرائات منقول از معصومین (ع)، ارتباطی به مبانی اخباریگری یا اصولی ندارد؛ زیرا شیخ حر عاملی (۱۱۰۴) با اینکه از عالمانی است که تفکر اخباری دارد؛ اما قرائت قرآن را در نماز بر اساس قرائت منسوب به معصومین (ع) نمی‌پذیرد: «واجب است، در نماز و در غیر نماز به قرائت هفت‌گانه‌ای [که با تواتر به دست ما رسیده است]، قرائت کرد و نمی‌توان با قرائت شاذ یا قرائت‌های روایت شده از معصومین (ع) قرائت نمود.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۶۲/۶).

۴- بازتاب قرائات معصومین (علیهم السلام) در تفاسیر شیعه

تعداد گزارش قرائات معصومین (علیهم السلام) در این تفاسیر با یک آهنگ مشخصی است. این تعداد از حدود عدد ۲۶ مورد که در تفسیر عیاشی است، فراتر نرفته است؛ اما در قرن ششم در تفسیر «مجمع البیان» تعداد این قرائات به حدود ۱۴۵ مورد افزایش یافته است (ر.ک: گراوند، اکبرنژاد، حسینی نیا، دیدگاه شیخ امین الاسلام طبرسی در مورد قرائات، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸).



تفاسیر مشهور گزارش دهنده روایات نقل شده از معصومین (علیهم السلام) تا قرن ششم				
ردیف	نام کتاب	مؤلف	آیات	تعداد در حدود:
۱	تفسیر فرات الکوفی	فرات کوفی	آل عمران: ۳۴؛ زخرف: ۵۷؛ شعراء: ۲۱۴؛ اسراء: ۲۶؛ حجر: ۴۱؛ فرقان: ۸؛ لیل: ۱۲	۷



۲	تفسیر امام حسن عسکری (ع)	امام حسن عسکری (ع)	بقره: ۸۸، ۲۶/	۲
۳	کتاب التفسیر	عیاشی	حمد: ۷؛ بقره: ۲۳۸؛ آل عمران: ۹۲، ۱۰۲، ۱۳۳؛ انعام: ۳۳؛ اعراف: ۱۷۲؛ توبه: ۱۱۲؛ هود: ۴۶، ۸۱، ۴۲؛ رعد: ۱۱؛ ابراهیم: ۴۱؛ نحل: ۲۶/	۱۵
۴	تفسیر قمی	قمی	حمد: ۷؛ بقره: ۲۳۸، ۲۱۱، ۲۵۵؛ آل عمران: ۳۳، ۹۲، ۱۲۳، ۱۱۰؛ نساء: ۹۵، ۱۶۶، ۴۸؛ مائده: ۱۱۵؛ انعام: ۳۳؛ توبه: ۷۳، ۱۲۸؛ رعد: ۱۱، یوسف: ۴۹؛ سبا: ۱۴؛ اسراء: ۶۰؛ انبیاء: ۴۷؛ فرقان: ۸، ۷۴؛ انشراح: ۷/	۲۰
۵	التبیان فی تفسیر القرآن	شیخ طوسی	حمد: ۷؛ بقره: ۱۱۹، ۱۴۸؛ نساء: ۹۴؛ انعام: ۳۳؛ انفال: ۱؛ توبه: ۱۱۸؛ هود: ۴۲؛ رعد: ۱۱، ۴۶؛ ابراهیم: ۴۶؛ اسراء: ۱۰۲؛ کهف: ۱۰۲؛ طه: ۹۷، ۹۸؛ نور: ۵۸؛ فرقان: ۷۴؛ سبا: ۱۴؛ زمر: ۵۳؛ واقعه: ۲۹؛ نازعات: ۱۱/	۲۱
۶	مجمع البیان فی تفسیر القرآن	طبرسی	حمد: ۶، ۷؛ بقره: ۱۱۹، ۲۳۸، ۱۱۹؛ آل عمران: ۲، ۳۶؛ مائده: ۸۹، ۹۵؛ انعام: ۱۵۹، ۹۹، ۳۳؛ اعراف: ۱۲۷؛ انفال: ۲۵، ۱؛ هود: ۴۲، ۵؛ یوسف: ۲۳، ۳۰، ۱۱۰؛ توبه: ۱۲، ۳۷، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۹، ۲۸؛ یونس: ۵۸؛ رعد: ۱۱، ۳۱، ۴۳؛ ابراهیم: ۴۱، ۴۶، ۳۷، ۳۴؛ حجر: ۴۱؛ نحل: ۲۶، ۴۱، ۶۲؛ اسراء: ۵، ۱۶، ۱۰۶؛ کهف: ۷۷، ۸۲، ۱۰۲؛ مریم: ۵، ۶؛ طه: ۹۷؛ انبیاء: ۹۸، ۹۵؛ حج: ۲۷، ۳۶، ۴۰؛ مؤمنون: ۶۰؛ نور: ۲۲، ۳۳، ۳۰، ۵۱؛ فرقان: ۱۸، ۲۰، ۳۶، ۷۴؛ نمل: ۱۳؛ سبا: ۱۴، ۱۹؛ یس: ۳۰، ۳۸، ۵۲؛ صافات: ۱۰۳، ۱۴۷؛ زخرف: ۷۷؛ احقاف: ۴، ۱۵؛ محمد: ۱۵، ۲۲، ۳۱؛ حجرات: ۶؛ ق: ۱۹؛ نجم: ۱۵؛ الرحمن: ۴۳؛ واقعه: ۸۲، ۸۹؛ طلاق: ۱؛ نبأ: ۲۸؛ عبس: ۶، ۱۰؛ مطففین: ۲۶؛ شمس: ۱۵؛ لیل: ۳؛ زلزال: ۶، ۷؛ عادیات: ۵؛ تکوین: ۶؛ اخلاص: ۱/	۱۴۵



این بازتاب در تفسیر شیعه نمی تواند طبیعی باشد. ریشه ها و عوامل این گستردگی در تفسیر «مجمع البیان» را می توان حداقل دو عامل را شناسایی کرد. تأثیر شخصیت علمی شیخ طوسی و نقش علوم ادبی در گسترش قرائات منسوب به معصومین (ع) در تفسیر «مجمع البیان» از عوامل این گستردگی است.

۵- نقش شیخ طوسی (ع) در گسترش قرائات منقول به معصومین (ع)

تحلیل نقش شیخ طوسی (ع) (۴۶۰) در گسترش قرائات منسوب به معصومین (ع)، نیازمند بررسی زمان، اساتید، شخصیت و تفاسیر قبل از شیخ طوسی است. به گونه ای که عدم شناخت صحیح یا ناقص از این مؤلفه ها در تحلیل این خوانش ها از قرآن تأثیر خواهد داشت.

شیخ طوسی در سال ۴۰۸ هجری قمری و در سن ۲۳ سالگی وارد بغداد شد. بغداد در قرن پنجم مقارن با حکومت آل بویه است که به تفکر تشیع نزدیک است. بغداد به واسطه شرایطی که حکومت آل بویه (۳۳۴-۴۴۷) برای بزرگان شیعه همچون شیخ مفید (۴۱۳)، سید مرتضی (۴۳۶) و شیخ طوسی فراهم آورده بود، مورد توجه عالمان شیعه و شهر تلاقی مکتب کوفه و قم بوده است. آن عالمان از این فرصت برای ارائه رویکرد استدلالی نسبت به منطق تشیع استفاده و در مقابل مذاهب عامه از شیعه دفاع کرده اند (رک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بی تا: ۴۵۴/۸؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵: ۷۰۴/۸).

رویکردی که شیخ در قرن پنجم گسترش داد، با رویکرد قبل از آن تفاوت بسیار دارد. از غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹) تا قرن پنجم عالمان شیعه قرائت روایی از شیعه ارائه نموده اند. تألیفاتی که توسط شیخ کلینی (۳۲۹) یا صدوق (۳۸۱) ارائه کرده اند، گواه برای این رویکرد است؛ اما تألیفاتی که از اواخر قرن چهارم توسط شیخ مفید و سید مرتضی دیده می شود، تفکر عقل گرایی همراه با نقل گرایی است و شیخ طوسی این تفکر را با تألیفات متنوع خود گسترش داد.

شناخت عوامل مؤثر در رویکرد استدلالی در شیعه، نقش مهم و بسزایی در تحلیل قرائات منقول از معصومین (ع) دارد. این شناخت در سه محور فضای سیاسی و اجتماعی حاکم در قرن پنجم، اساتید شیخ طوسی و شخصیت شیخ طوسی قابل اشاره است.

فضای حاکم در شهر بغداد در اواخر قرن چهارم و قرن پنجم، به واسطه حکومت ۱۱۳ ساله آل بویه (۳۳۴-۴۴۷) و نزدیکی فکری به شیعه و تجلیل از بزرگانی همچون شیخ مفید و سید مرتضی توسط عضد الدوله (۳۷۲) این فرصت را فراهم آورد که شیعه در کنار مذاهب دیگر اهل سنت بتواند منطق کلامی، فقهی و قرآنی خود دفاع و برای آن استدلال اقامه کند. ترویج فرهنگ شیعه در جامعه، مناظرات شیخ مفید با قاضی عبدالجبار (۴۱۵) رئیس معتزله و قاضی ابوبکر باقلانی (۴۰۳) رئیس



اشاعره، تألیف ۲۰۰ کتاب توسط شیخ مفید (نجاشی، رجال النجاشی، بی تا: ۳۹۹/۱)، ساخت کتابخانه توسط بهاء الدوله برای سید مرتضی (۳۸۱) با تعداد صد و چهار هزار جلد و تأسیس دار العلم، تنها بخش کوچکی از فعالیت علمی دانشمندان شیعه در طول ۱۱۳ سال حکومت آل بویه و دیلمیان است (رک: الشافی ردیه سید مرتضی بر نظریه ضد شیعه قاضی عبدالجبار، ۱۴۱۰: ۶۲/۱؛ نحوی، آل بویه حامیان فرهنگ تشیع، بی تا: ۱۰۴؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ۱۳۹۹: ذیل واژه کرخ بغداد؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵: ۵۰۴/۸).

شیخ طوسی در طول اقامت ۴۱ ساله در شهر بغداد و منطقه کرخ، شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی بوده است. اساتید شاخص شیخ طوسی، رویکرد عقلی و استدلالی داشته‌اند (سید مرتضی، ذخیره سید مرتضی، بی تا: ۱۷۱). شیخ مفید مؤسس جریان عقل‌گرا در شیعه و سید مرتضی ادامه‌دهنده این جریان در شکل‌گیری شخصیت استدلالی و عقل‌گرایی ایشان تأثیرگذار بوده‌اند. به گونه‌ای که کتاب «التهذیب» از کتاب‌های اربعه، شرح بر کتاب «مقنعه» شیخ مفید است. در آن کتاب به تحلیل روایات متضاد نما پرداخته است. تا قبل از جریان عقل‌گرایی دانشمندان شیعه برای احکام شرعی از فقه روایی استفاده می‌کرده‌اند؛ اما شیخ مفید از فقه روایی به فقه فتوایی و شیخ طوسی آن را به فقه استدلالی توسعه داد. در این نگاشته تنها به بررسی ابتکار شیخ طوسی در فقه و ارتباط آن با قرائات منقول از معصومین (ع) پرداخته می‌شود. ابتکارات شیخ طوسی در دانش فقه در شیعه بی‌سابقه است. او در آثار فقهی خود با روش نو تلاش کرده است تا فقه شیعه را از گزارشگری صرف از معصومین (ع) بیرون آورد و در مصاف مذاهب دیگر اهل بیت (ع) را معرفی و شبهات را برطرف کند. او در کتاب «الخلاف» با مقایسه‌ای میان آراء مذاهب اهل سنت و شیعه و ذکر ادله هر یک، فقه عامه را با چالش مواجه کرده است. همچنین او با تألیف کتاب «المبسوط» فقه شیعه را وارد مرحله جدیدی کرد. با ارائه فقه استدلالی شیعه، توانست فقه شیعه را در مواجهه با مذاهب دیگر توسط عالمان شیعه پاسخگو کند.

شیخ در سال‌های پایانی اقامت خود در بغداد و قبل از هجرت اجباری به نجف، در فضای علمی و استدلالی، برای اولین بار اقدام به تألیف تفسیر «التبیان» اولین تفسیر کامل و استدلالی شیعه می‌کند. عالمان قبل از شیخ، اگرچه تألیفاتی در تفسیر قرآن داشته‌اند؛ اما این تألیفات یا کامل نبوده است یا صرفاً روایی بوده‌اند. ایشان با نگاشتن این تفسیر ابتکار جدیدی را انجام می‌دهد (طوسی، تبیان، بی تا: ۳/۱). بررسی ابعاد اشاره شده در زندگی شیخ طوسی، منتهی به این نکته می‌شود که شیخ به واسطه شخصیت استدلالی در تفسیر قرآن، به بحث قرائات نیز پرداخت. اگرچه در تفاسیر مشهور قبل از شیخ، بحث قرائات بیان شده است؛ اما شیخ در تفسیر خود تنها به گزارش‌های منسوب به معصومین (ع)



اعتنا ندارد و از بحث قرائات منقول از معصومین علیهم السلام نیز در تفسیر خود استفاده و بهره‌برداری کرده است. اگرچه در نحوی اشاره به این قرائات ظرافت‌های انجام شد، مانند اینکه این قرائات را در بیشتر موارد بعد از قرائات مشهور و جداگانه ذکر کرده‌اند (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۳۱۶/۵؛ ۲۲۸/۶). شیخ طوسی به علت فضای مطلوب علمی و اساتیدی همچون شیخ مفید و سید مرتضی که هردو از بنیان‌گذاران رویکرد استدلالی هستند، توانست در تفسیر قرآن با بحث قرائات قرآنی منقول از معصومین علیهم السلام در مرحله نخست مانند فقه، تألیف ابتکاری ارائه کند و در مرحله بعد مؤثر در تفاسیری بعد از خود همچون «مجمع‌البیان» باشد. در ضمن با این تألیف در مقابل قرائات مرسوم در میان عامه، قرائت اهل بیت علیهم السلام را نیز ارائه و موردتوجه قرار دهد. بدیهی است که این مطلب به معنای پذیرش این قرائات نیست. صرفاً قرائتی است که به منشأ این قرائات توجه داده می‌شود.

شیخ طوسی در نقل قرائات منقول از معصومین علیهم السلام یک مبنای صریح دارد. آن صیانت از قرآن و رد هرگونه تحریف در قرآن کریم است. ایشان در مقدمه تفسیر خود می‌نویسد: سخن در اضافه شدن و کم شدن قرآن از مواردی است که با قرآن تناسب ندارد؛ زیرا همگان معتقدند، نه چیزی بر قرآن افزوده و نه چیزی از او کاسته شده. در مذهب عامه و شیعه خلافتی در نبود زیادت و نقصان قرآن نیست. اگرچه از اهل عامه و شیعه روایات زیادی (روایات تحریف‌نما) بر این که از قرآن چیزی کم یا زیاد یا اینکه مکان قرار گرفتن آیات تغییر کرده است، روایت شده است. بهتر است، از این روایات اعراض شود (طوسی، تبیان، بی‌تا: ۳/۱).

شیخ طوسی در مورد اختلاف قرائت در قرآن می‌نویسد: بدانید، عرف در مذهب ما (شیعه) و آنچه از اخبار و روایات شیوع دارد (دلالت دارد بر اینکه) قرآن با یک حرف (یک قرائت) بر یک نبی (پیامبر اسلام) نازل شده است. مگر اینکه معصومین علیهم السلام اتفاق نظر دارند، بر جواز خوانش قرآن به گونه‌ای که میان قاریان متداول است؛ و انسان مخیر است، به هر قرائتی قرآن را بخواند (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۷/۱). از نظر ایشان میان قرآن و خوانش آن تفاوت است. شیخ در مواجهه با سه دسته از احادیثی که دلالت بر توحید قرائات، حجیت قرائات هفت‌گانه و روایات مستقل قرآنی برای اهل بیت علیهم السلام دارند، معتقد بر توحید قرآن و حجیت قرائات هفت‌گانه صرفاً بر اساس خوانش و درباره قرائات مستقل دیدگاه روشنی یافت نمی‌شود. ایشان در خصوص پذیرش یا رد این قرائات هیچ اظهارنظری نکرده است (سلطانی، تحلیل و بررسی مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم با محور آثار شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۵۵). این مبانی به تفاسیر ما بعد خود همچون «مجمع‌البیان» این جسارت را داده است که مفسران شیعه تا قرن پنجم از گزارشگری روایات خارج شوند و نگاه گسترده‌ای به قرائات به‌ویژه قرائات منسوب به معصومین علیهم السلام داشته باشند.



تفسیر «التبیان» در تفسیر «مجمع البیان» بسیار تأثیرگذار بوده است. طبرسی در مجمع از شیخ با احترام خاصی یاد کرده است: «تبیان کتابی است که از آن نور حق برافروخته شده است، روشنائی درستی آن در آن روشن است، اسراری نو در آن وجود دارد، این کتابی است که از نورهایش تابناک شدم و بر طریق آن گام سپردم.» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۲۵: ۳۲/۱).

او در مقدمه تفسیر خود، شیخ را تنها فردی معرفی می‌کند که در تفسیر قرآن، تنها به روایات اکتفا نکرده و در شرح معانی قرآن و کشف اسرار آن، پا را از روایات فراتر نهاده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۲۵: ۳۳/۱). طبرسی در مقام ارزیابی، بی‌نظمی در تنظیم مطالب را یکی از اشکالات آن معرفی کرده است (همان). او همچنین در مقدمه کتاب خود برای اولین بار در تفسیر شیعه، قرائات را به‌عنوان فن و فصل مشخص در تفسیر ذکر کرده است. این روش ایشان دلیل روشن بر تأثیر شیخ بر ایشان است. تفسیر ادبی با قرائات اوج می‌گیرد و شیخ با تألیف «التبیان» مفسران شیعه را وارد عرصه تفسیر ادبی کرده است. احتمال دارد، مفسر شیعی با نقل قرائات معصومین (ع) در صدد معرفی اهل بیت (ع) به‌عنوان داناترین افراد به دانش قرائت باشد. همچنین در پرتو این مباحث، تفسیری متقن و موجه در میان دیگر مذاهب ارائه کند.

شخصیت تفسیری شیخ، نه تنها بر عالمان چون طبرسی و ابوالفتوح رازی که به‌عنوان منتقد شمرده نمی‌شوند، تأثیر گذاشته است، بلکه عالمانی چون ابن ادریس حلی (۵۹۷) که از منتقدان آراء ایشان بوده، نیز تأثیر داشته است. ابن ادریس بی‌آنکه اشکالی بر شیخ ارائه کند، کتاب تفسیر ایشان را با نام «المنتخب من تفسیر القرآن و النکت المستخرجه من کتاب التبیان» خلاصه کرده است. درحالی‌که در آثار ابن ادریس نقدهای زیادی بر دیدگاه‌های فقهی و اصولی شیخ طوسی ذکر شده است (ابن ادریس، السرائر، ۱۴۱۰: ۶۶/۱).

۶- نقش رویکرد تفاسیر ادبی در گسترش قرائات معصومین (ع) در قرن پنجم و ششم

قرآن کریم یک متن ادبی است. تأکیدهای فراوان در قرائت قرآن، ترتیل، تلاوت و استماع به قرآن هنگام قرائت دیگران بر ادبی بودن متن قرآن دلالت دارد؛ زیرا در صورتی تکرار یک متن غیرادبی ملالت و تکدر خاطر به همراه دارد (رک: آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۸/۲).

خط عربی در زمان نزول قرآن به واسطه نداشتن هرگونه اعراب، نقطه و الف، استعداد و ظرفیت اختلاف قرائت را داشته است (اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۵۰/۱)؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن ۱۳۸۶: ۱۵/۲). در بسیاری از اختلاف قرائات جنبه لفظی در گسترش قرائت تأثیرگذار بوده است (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹: ۵۰/۱). معربین هنگام



تحلیل عباراتی که فاقد نقطه یا اعراب یا الف بوده‌اند، به‌ناچار برای هر احتمال یک وجه اعرابی ذکر کرده‌اند. این روند به حدی گسترش یافت که عالمان با بیان احتمال جدید در آیه قرآن به خود مباهات و نشانه تبخر خود در علوم عربی می‌دانستند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۳۵/۲).
قرائات منقول از صحابه و تابعین بر اساس انگیزه‌های گوناگون طرح شده است. گاه یک دیدگاه در مکتب ادبی، قاریان را وادار به پذیرش یک قرائت خاص می‌کند. مانند قرائت حمزه (۱۵۶ ق) یکی از قاریان هفت‌گانه در آیه شریفه «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (نساء/۱)؛ که کلمه «الارحام» را مجرور قرائت نموده است؛ زیرا بر اساس مکتب کوفه می‌تواند حرف جر «باء» تکرار نشود (بلاغی، آلاء الرحمن، بی‌تا: ۳۰/۱؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۳۰/۲؛ ابن جنی، الخصائص، ۱۹۹۹: ۲۹۳/۱؛ ابن عصفور، شرح جمل الزجاجی، بی‌تا: ۴۹؛ غفاری، نشوء القرائات، ۱۳۸۸: ۱۴۴)؛ یا مبنای کلامی، قاریان را وادار به پذیرش یک قرائت کرده است، مانند قرائت اعراب منصوب کلمه «الله» در آیه «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (نساء/ ۱۶۴)؛ یا مبنای فقهی، قاریان را به منصوب خواندن کلمه «ارجلکم» در آیه وضو (مائده/ ۶) وادار می‌کند.

الف. دانش‌های ادبی

ادب در منابع لغوی مفهومی پیچیده و بحث‌برانگیز دارد. ادب در برخی از لغت‌نامه‌ها به نظم و نثر یا کلام منظوم و منشور تعریف شده است (ابن خلدون، مقدمه، ۱۴۲۵: ۵۰۷؛ دهخدا، لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۳۱۵). ابن حجت حموی (۸۳۷) تعداد دانش‌های ادبی را شش مورد بیان کرده است و آن‌ها عبارت‌اند از: لغت، تصرف، نحو، معانی، بیان و بدیع. برخی نیز معتقدند، قرائات نیز یکی از علوم ادبی است (رک: حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، ۱۳۵۸: ۴۲).

نگاشته حاضر در مقام بررسی تاریخچه این علوم نیست؛ اما اشاره به تحولات این علوم در قرن‌های چهارم تا ششم می‌تواند کمک شایان توجه در تحلیل گسترش قرائات منسوب به معصومین علیهم‌السلام کند.
ارتباط خوانش قرآن کریم با دانش‌های ادبی، همچون لغت، صرف، نحو و بلاغت قابل انکار نیست. تفاسیر ادبی قرآن بر اصول نظری بسیاری بنا نهاده شده است که یکی از این اصول اهتمام به طرح و بررسی قرائت‌های مخالف قرآن است (اسعدی و همکاران، «آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری»، ۱۳۹۲: ۲۶۴/۲).
دانشمندان علم تفسیر و قرائت تمام واژگان قرآن کریم را با تحلیل ادبی نگریسته‌اند. کتاب‌های اعراب القرآن و معانی القرآن در منابع اسلامی با تنوع‌های گوناگون توسط دانشمندانی همچون: قطرب (۲۰۶)، ابوعبیده (۲۱۰)، ابو البرکات انباری (۳۲۸)، ابن خالویه (۳۱۰)، مکی بن ابی طالب (۴۳۷)، سمین حلبی (۷۵۶)، عکبری (۶۱۶) نگاشته شد.



تفاسیری مانند «الکشاف» زمخشری (۵۳۸) و «المحرر الوجیز»، ابن عطیه اندلسی (۵۴۲) در قرن ششم و هم عصر طبرسی را می توان از شاهکارهای دانش های ادبی بیان کرد. زمخشری که از دانشمندان معتزلی است، در کتاب تفسیر خود به نام «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل» با ژرف نظری و دقت های زیاد موجب تمجید مفسران و دانشمندان مسلمان شد (معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب: ۳۰۹/۲؛ ابن خلدون، مقدمه، ۱۴۲۵: ۴۰۷؛ ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۳۹۸: ۴۳۳/۱). همچنین کتاب «المحرر الوجیز» اگرچه نگاه بلاغی این کتاب از «الکشاف» کمتر است؛ اما مباحث صرفی و نحوی این کتاب نسبت به «الکشاف» مبسوط تر است (اسعدی و همکاران، آسیب شناسی جریان های تفسیری، ۱۳۹۲: ۲۵۰/۲).

ب. تاریخچه مباحث ادبی در تفاسیر شیعه تا قرن ششم

در تفاسیر شیعه تا قبل از قرن چهارم نکات ادبی در تفاسیر شیعه کمتر ذکر شده است؛ اما از زمان سید مرتضی و شاگرد ایشان شیخ طوسی این دانش ها در تفاسیر شیعه گسترش یافته است؛ به گونه ای که شیخ طوسی در تفسیر «التبیان» با کمک قواعد ادبی به تحلیل اجتهادی در این علوم پرداخته است. سید مرتضی در کتاب «درر الفوائد و غرر القلائد» با شیوه ادبی به تفسیر و پاسخ گویی به شبهات پرداخته است. شیخ طوسی در مدت ۲۳ سال (۴۱۳-۴۳۶) از استاد خود سید مرتضی در عرصه دانش ادبی متأثر بوده و همانند او در تفسیر «التبیان» به تحلیل عمیق ادبی آیات قرآن اهتمام و این روش در مفسران بعد از شیخ طوسی نیز تأثیر فراوان داشته است. طبرسی در مقدمه تفسیر «مجمع البیان» به آن تصریح و در مقام نظم بخشی به این شیوه آن را گسترش داده است.

سید مرتضی نیز از جهت ادبی میان دانشمندان شیعه و عامه مشهور بوده است (خوانساری، روضات الجنان، ۱۳۹۰: ۳۰۳/۴). در برخی از آثار خود از ابوبکر بن انباری (۳۲۷) اندیشمند نحوی در آیه ۱۲۸ سوره آل عمران نام برده و مورد تحلیل قرار داده است. در حالی که فاصله زمانی ایشان با انباری ۲۸ سال است (سید مرتضی، امالی، ۱۹۹۸: ۶۲۹/۱). ایشان در آیه ششم سوره مائده در ارتباط با مجرور شدن واژه «ارجلکم» به تحلیل مفصل ادبی آن پرداخته است (سید مرتضی، الانتصار فی انفرادات الامامیه، بی تا: ۱۰۶/۱).

شیخ طوسی در تفسیر «التبیان» دیدگاه های دانشمندان مشهور نحوی را به صورت گسترده بیان کرده است. دانشمندانی همچون سیبویه (۱۸۰)، کسائی (۱۸۹)، فراء (۲۰۷)، اخفش (۲۱۰)، مبرد (۲۸۵)، زجاج (۳۱۱)، ابن سراج (۳۱۶)، ابوبکر بن انباری (۳۲۷). به عنوان نمونه از آراء نحوی و غیر نحوی فراء در التبیان بیش از ۶۰۰ بار، همچنین کسائی بیش از ۳۵۰ بار و نیز سیبویه بیش از ۸۰ بار نام برده شده است (طوسی، تبیان، ۱۱۳/۱: ۳۶/۱: ۹۹/۱). ایشان نه تنها به صورت گسترده این اقوال را بیان کرده، حتی به نقد و بررسی این دیدگاه ها نیز پرداخته است.

یکی از تفاسیر کامل و منظم در شیعه تفسیر «مجمع البیان»، امین الاسلام طبرسی است. طبرسی در این تفسیر ضمن بخش الحجه، به صورت منظم به صورت مشخص دانش های ادبی را بیان و تحلیل کرده است. ذهبی در توصیف ادبی تفسیر «مجمع البیان» می نویسد: «حق آن است که تفسیر طبرسی گذشته از گرایش های ملایم شیعی و پاره ای دیدگاه های اعتزالی آن در باب خود، کتاب بزرگی است که از خبرگی و چیره دستی مؤلف آن در فنون مختلف علم و دانش حکایت می کند. او در هر ناحیه ای که عنان سخن را کشیده، به خوبی از عهده برآمده است. او اگر از قرائت ها و وجوه آن سخن گفته و اگر از معنای لغوی و مفردات آن بحث کرده یا در باب اعراب و وجوه آن پرداخته، به نیکویی سخن گفته است.» (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۳۹۶: ۱۴۰/۲).

قرن چهارم و پنجم که تألیف تفسیرهای جامع اجتهادی رونق گرفت، یکی از بخش های مهم و قابل توجه این تفاسیر تکیه بر علوم ادبی در تفسیر آیات بوده است. بر همین اساس همه تفاسیر جامع اجتهادی را باید در شمار تفاسیر ادبی نیز مورد توجه قرار داد (اسعدی و همکاران، آسیب شناسی جریان های تفسیری، ۱۳۹۲: ۲۴۶/۲).

نکته مهم در قرن ششم این است که طبرسی، ابوالفتوح رازی و زمخشری در بازه زمانی مشخص اقدام به تفسیر قرآن با رویکرد ادبی می کنند و هیچ یک از این مفسران از اقدام دیگری مطلع نبوده و نامی از یکدیگر در تفسیر خود ذکر نکرده اند. این مسئله نمی تواند یک اقدام تصادفی باشد، بلکه نشان دهنده فضای علمی قرن ششم که مطابق با دانش های ادبی بوده و آنان مطابق فضای علمی خود اقدام به تألیف نموده اند است (رک: زمخشری، کشف، ۱۴۰۷: ۳/۱)؛ اگرچه طبرسی پس از پایان نگارش تفسیر «مجمع البیان» با تفسیر کشف زمخشری آشنا شده و همراه با نکات بیشتر تفسیری با نام «جوامع الجامع» نوشت (طبرسی، جوامع الجامع، ۱۳۷۷: ۲/۱؛ گازار، جوامع الجامع و کشف در نگاه تطبیقی، ۱۳۸۱)؛ اما آنچه روشن است، فضای ادبی حاکم در قرن ششم است.

وجود ویژگی های مشترک در روش تفسیری میان «مجمع البیان» و «الکشاف» فرضیه مزبور را تأیید می کند. مانند: بهره گیری از اختلاف قرائت برای غنای تفسیر، شرح تفاوت های لغوی قرائات، ارزش گذاری قرائات، استفاده از قرائت در ترجیح وجوه تفسیری آیات، میزان فراوانی نقل قرائت (رک: مرتضوی، دیدگاه زمخشری در مورد قرائات، ۱۳۹۸: ۲۷). همچنین شباهت در داشتن آثار نحوی را می توان به این موارد افزود (تهرانی، آقابزرگ، الذریعه، ۱۴۰۸: ۲۵۷/۵).



نتیجه

نتایج نگاشته حاضر در تحلیل انتقادی نسبت به قرائت منقول از معصومین (علیهم السلام) به شرح زیر است:

- ۱- در تاریخ تفسیر شیعه، دو رویکرد میان دانشمندان علم تفسیر وجود داشته است؛ رویکرد روایی و رویکرد استدلالی و هر دو رویکرد در گسترش قرائات منقول از معصومین (علیهم السلام) نقش داشته اند؛ اما نقش رویکرد استدلالی که توسط شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی وجود داشته است، نسبت به رویکرد روایی در گسترش این قرائات بیشتر است.
- ۲- در میان تفاسیر شیعه، تفسیر «مجمع البیان» با نقل در حدود ۱۴۵ قرائت نسبت به تفاسیر پیش از خود به گسترش این روایات اقدام کرده است که دو عامل می تواند از عوامل این گسترش باشد. عامل اول: در گسترش این قرائات، شخصیت تحلیل و استدلالی شیخ طوسی و تأثیر آن بر مفسران بعد از خود، همچون طبرسی است؛ عامل دوم: در گسترش این قرائات، فضای ادبی موجود در قرن ششم است. تفاسیری مانند «الکشاف»، زمخشری و «مجمع البیان»، طبرسی از این نمونه هاست.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، دارصادر، بیروت: ۱۳۸۵.
۳. ابن ادریس، حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۰.
۴. ابن جنی، عثمان، الخصائص، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۹۹۹ ق.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون دار الکتب العربی، بیروت: ۱۴۲۵.
۶. ابن عصفور، علی بن مومن، شرح جمل الزجاجی، دارالکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۷. ابن جزری، محمد بن محمد، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، دارعالم الفوائد، مکه: ۱۴۱۹ ق.
۸. اسعدی و همکاران، آسیب شناسی جریان های تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۲.
۹. اسکندری، محمدجواد، رضوی اصیل، سید مجتبی، مبانی قرائی تفسیر، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۱۰. بابایی، علی اکبر و همکاران، روش شناسی تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۸.
۱۱. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمان، بنیاد بعثت، قم: ۱۴۲۰ ق.
۱۲. بیگدلی، دریاری، محمد تقی و نوری، شهلا، «قراءات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) در مجمع البیان»، مطالعات قرائت قرآن، شماره ۲، ۱۳۹۳.
۱۳. تهرانی آقا بزرگ، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، اسماعیلیان، قم: ۱۴۰۸.
۱۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، آل البيت، قم: ۱۴۰۹ ق.
۱۵. حکیمی، محمد رضا، ادبیات و تعهد در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی جا: ۱۳۵۸.
۱۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، دار الکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۱۷. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنان فی احوال العلماء و السادات، اسماعیلیان، قم: ۱۳۹۰.



۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۳.
۱۹. ذهبی، محمد سید حسین، التفسیر و المفسرون، وهبه، قاهره: ۱۳۹۸.
۲۰. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر، کشف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، دارالکتب العربیه، بیروت: ۱۴۰۷.
۲۲. سلطانی، محمد، تحلیل و بررسی مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم با محور آثار شیخ طوسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۰.
۲۳. سید مرتضی، علم الهدی، الشافی، مؤسسه الصادق، تهران: ۱۴۱۰.
۲۴. سید مرتضی، علم الهدی، امالی، دارالفکر العربی، قاهره: ۱۹۹۸.
۲۵. طبرسی، امین الاسلام، جوامع الجامع، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۷.
۲۶. طبرسی، امین الاسلام، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۲۵.
۲۷. طبری، ابو جعفر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۰۹.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۲۹. —، رجال طوسی، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۴۲۷ ق.
۳۰. غفاری، عبد الرسول، نشوء القرائات، دلیل ما، قم: ۱۳۸۸.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۴۰۷.
۳۲. گازار، محمد حسن، «جوامع الجامع و «کشف» در نگاه تطبیقی»، پژوهش های قرآنی ش: ۲۹ و ۳۰، ۱۳۸۱.
۳۳. گراوند، نجمیه، اکبرنژاد، مهدی، حسینی نیا، سید محمدرضا، دیدگاه شیخ امین الاسلام طبرسی در مورد قرائات، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۳۴. مرتضوی، سید ابراهیم، طیب حسینی، سید محمود، دیدگاه زمخشری در مورد قرائات، ۱۳۹۸.
۳۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران: ۱۳۶۰.
۳۶. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، مرکز مدیریت، قم: ۱۳۸۶.
۳۷. —، صیانت القرآن من التحریف، دار القرآن الکریم، قم: ۱۴۱۰.



۳۸. ملایبی عشق آباد، زهرا، شاه‌پسند، الهه، بررسی قرائت مصاحف منسوب به ائمه علیهم‌السلام، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۳۹. نجاشی، ابو عباس، رجال النجاشی، مؤسسة النشر الإسلامی، قم: ۱۴۰۷.
۴۰. نحوی، سید سیف الله، آل بویه حامیان فرهنگ تشیع، بی‌نا، بی‌تا: بی‌تا.
۴۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، دارالحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۳۹۹.
۴۲. یعقوبخانی، مرتضی، اکرادلو، لیلا، خوشفر، محسن، گونه‌شناسی قرائات منسوب به معصومین علیهم‌السلام، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.



References

1. The Holy Quran, Translated by Rezaei Isfahani, Muhammad Ali et al., Dar al-Dhikr Cultural Research Institute, Qom: 2004.
2. Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad, Al-Kamil Fi Al-Tarikh, Dar Sader, Beirut: 2006.
3. Ibn Idris, Hilli, Al-Sarair Al-Hawi Li Tahrir al-Fatawa, Publications of the Society of Seminarian Teachers, Qom: 1410 AH.
4. Ibn Jinni, Uthman, Al-Khasais, Dar Al-Kitab Al-Ilmiyeh, Beirut: 1999.
5. Ibn Khaldun, Abdul Rahman Ibn Muhammad, Muqaddimah of Ibn Khaldun, Dar Al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1425.
6. Ibn Usfur, Ali Ibn Momen, Sharh Jumal al-Zajaji, Dar Al-Kitab Al-Ilmiyeh, Beirut: S.D.
7. Ibn al-Jazari, Muhammad ibn Muhammad, Munjid al-Muqrieen wa Murshid al-Talibeen, Dar al-Alam al-Fawaid, Mecca: 1419 AH.
8. Asa'di et al., Pathology of Interpretive Trends, Seminary and University Research Institute, Qom: 2013.
9. Eskandarloo, Muhammad Javad, Razavi Asil, Seyyed Mujtaba, Fundamentals of Qarai Tafsir, Quran Recitation Studies, Volume 7, Number 12, Spring and Summer 2019/2020.
10. Babaei, Ali Akbar et al., Methodology of Quran Interpretation, Seminary and University Research Institute, Qom: 2009.
11. Balaghi Najafi, Muhammad Javad, Alaa al-Rahman, Be'that Foundation, Qom: 1420 AH.
12. Bigdeli, Daryari, Muhammad Taqi and Nouri, Shahla, "Readings Attributed to the Ahl al-Bayt (AS) in Majma 'al-Bayan", Quran Recitation Studies, No. 2, 2014.
13. Tehrani Agha Bozorg, Muhammad Muhsin, Al-Dari'a Ili Tasanif al-Shi'a, Ismailian, Qom: 1408.
14. Hurr Amili, Muhammad ibn al-Hassan, Wasa'il al-Shi'ah, Alul-Albayt, Qom: 1409 AH.
15. Hakimi, Muhammad Reza, Literature and Commitment in Islam, Islamic Culture Publishing Center, S.D: 1979.
16. Khatib Baghdadi, Ahmad Ibn Ali, History of Baghdad, Dar al-Kitab al-Ilmiyeh, Beirut: S.D.
17. Khansari, Muhammad Baqir, Rawdat al-Jinnan Fi Ahwal al-Ulama wa al-Sadat, Ismailian, Qom: 2011/2012.
18. Dehkhoda, Ali Akbar, Dehkhoda Dictionary, University of Tehran, Tehran: 1994.
19. Zahabi, Muhammad Seyyed Hussein, Interpretation and Interpreters, Wahba, Cairo: 1398.
20. Zarkashi, Badruddin, al-Burhan Fi Uloom al-Quran, Dar Al-Kitab al-Ilmiyeh, Beirut: 1408 AH.
21. Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar, Al-Kashshaf An Haqaiq Ghawamiz al-Tanzil and Ayoun Al-Aqawil Fi Wujuh al-Tawil, Dar al-Kitab al-Arabiya, Beirut: 1407.
22. Sultani, Muhammad, Analysis and Study of the Theological Foundations of the Interpretation of the Holy Quran with Emphasis on the Works of Sheikh Tusi, Seminary and University Research Institute, Qom: 2011/2012.
23. Seyyed Murtaza, Alam al-Huda, Al-Shafi, Al-Sadiq Institute, Tehran: 1410.
24. Seyyed Murtaza, Alam al-Huda, Al-Amali, Dar al-Fikr al-Arabi, Cairo: 1998.
25. Tabrasi, Amin al-Islam, Jawame 'al-Jame', Seminary Management Center, Qom: 1998.
26. Tabrasi, Amin al-Islam, Majmae al-Bayan Fi Tafsir al-Qur'an, Scientific Institute for Publications, Beirut: 1425.
27. Tabari, Abu Ja'far, Jame 'al-Bayan Fi Tafsir al-Quran, Dar al-Ma'rifah, Beirut: 1409.
28. Tusi, Muhammad ibn Hassan, Al-Tibyan Fi Tafsir al-Quran, Dar Al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: S.D.



29. ———, Rijal Tusi, Islamic Publications Center, Qom: 1437 AH.
30. Ghaffari, Abdul Rasool, The Development of Qira'at, Dalil Ma, Qom: 2009/2010.
31. Kulaini, Muhammad Ibn Yaqub, Al-Kafi, Islamic Books Publications, Tehran: 1407.
32. Gazar, Muhammad Hassan, Jawame 'al-Jame' and Kashshaf; A Comparative Studies, Quranic Researches: 29 and 30, 2002.
33. Ground, Najmieh, Akbarnejad, Mehdi, Hosseininia, Seyyed Muhammad Reza, Sheikh Amin al-Islam Tabrasi's View on Recitations, Quran Recitation Studies, Volume 7, Number 12, Spring and Summer 1398.
34. Murtazavi, Seyyed Ebrahim, Tayyeb Hosseini, Seyyed Mahmoud, Zamakhshari's View on Qira'at, 2019/2020.
35. Mustafavi, Hassan, Al-Tahqiq Fi Kilimat al-Quran, Book Translation and Publishing Company, Tehran: 1981.
36. Ma'rifat, Muhammad Hadi, Al-Tamhid Fi Uloom Al-Quran, Seminary Management Center, Qom: 2007.
37. ———, The Protection of the Qur'an from Distortion, Dar al-Quran al-Karim, Qom: 1410.
38. Mollai Ishghabad, Zahra, Shah Pasand, Elaheh, A Study of the Qira'at of Mushafs Attributed to the Imams (AS), Quran Recitation Studies, Volume 7, Number 12, Spring and Summer 2019/2020.
39. Najashi, Abu Abbas, Rijal al-Najashi, Islamic Publishing Foundation, Qom: 1407.
40. Nahwi, Seyyed Saifullah, The Buwain; Supporters of Shiite Culture, S.L, S.N, and S.D.
41. Yaqut Hamwi, Mujam al-Buldan, Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1399.
42. Yaghoubkhani, Murtaza, Akradloo, Leila, Khoshfar, Muhsin, Typology of Recitations Attributed to the Infallibles (AS), Quran Recitation Studies, Volume 7, Number 13, Fall and Winter 2019/2020.